



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنده هم این عید سعید و روز بزرگ و مقطع عظیم تاریخی برای جهان اسلام، بلکه برای عالم بشریت را به شما عزیزان، به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی کسانی که در سراسر جهان و در طول تاریخ، دلشان برای حقیقت و عدالت می‌تپد، تبریک عرض می‌کنم. روز عید غدیر «عید ولایت» نامیده می‌شود. نامگذاری درستی است؛ روزی است که مفهوم ولایت اسلامی به وسیله‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد. برای کسانی که می‌خواهند از الگوی انسان طراز اسلام، نمونه‌ای ذکر کنند، بهترین نمونه همان کسی است که آن روز نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت، معین فرمود. معنای ولایت و مفهوم عظیمی که در روز عید غدیر، مصداق مشخصی پیدا کرد، یکی از نکات اساسی است که برای جامعه‌ی اسلامی ما و صاحبان فکر، نقطه‌ی حسّاسی است و جا دارد روی آن تأمل کنند. وقتی که در نظامی، ولی‌الله - کسی مثل پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین - در رأس نظام قرار دارد، آن جامعه، جامعه‌ی ولایت است؛ نظام، نظام ولایت است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبی اکرم و جانشینان او از سوی پروردگار، حائز آن بوده‌اند، هم خصوصیتی است برای آن جامعه‌ی اسلامی که در سایه‌ی آن حکومت، زندگی می‌کند و از پرتو آن بهره می‌گیرد. من این نکته را بارها عرض کرده‌ام، امروز هم می‌خواهم بر روی همان نکته تکیه کنم؛ برای این که مسائل زندگی، مسائل سرنوشت‌ساز و وظیفه‌ی مهم ملت اسلام، وابسته به همین نکات اساسی و زیربنایی است.

آن نکته این است که ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه‌ی نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، درهم‌پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه‌ی شؤون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می‌کند. ولایت، یعنی پیوند. «والذین آمنوا و لم یهاجروا مالکم من ولایتهم من شیء حتی یهاجروا (7)» یعنی این. پیوند افراد جامعه‌ی اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست. پیوند ولایت که یک پدیده‌ی سیاسی، یک پدیده‌ی اجتماعی و یک حادثه‌ی تعیین‌کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذا است که در نظام اسلامی، «ولی» از مردم جدا نیست. ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می‌آید، یک جا هم به معنای پشتیبانی می‌آید که همه‌ی اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتحاد است، والا معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است.

اگر با این دید به جامعه‌ی اسلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می‌یابد که بسیاری از معارف اسلامی را برای ما معنی می‌کند. به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهت ولایت‌الله حرکت کردن است. همه‌ی ذرات عالم، خواه و ناخواه در چنبر ولایت الهی، در دایره‌ی ولایت‌الله قرار دارند و انسانهای آگاه، مختار، تصمیم‌گیرنده و دارای حسن انتخاب، عملاً هم ولایت الهی را برمی‌گزینند و در آن راه حرکت می‌کنند؛ محبت الهی را کسب می‌کنند و خود از محبت پروردگار، پر می‌شوند. صفای دنیای اسلام و محیط اسلامی و محیط معنوی، ناشی از همین ولایت‌الله است. این ولایت الهی، با ولایت خداوند در عالم سیاست و محیط سیاسی، تفاوت جوهری ندارد؛ حقیقت هر دو یکی است. لذا در نظام اسلامی، حکومت با محبت، با ایمان، با وحدت و همدلی، همچنین با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت و با هم بودن اجزای مردم است؛ اینهاست که مصداق حقیقی ولایت را در جهان متشکلت و متفرق و متنازع، متمایز و



مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که این نظام اسلامی است. وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام ولایت، باید تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری باشد؛ لذا شما در آیات کریمه‌ی قرآن هم که نگاه می‌کنید، می‌بینید این مسأله‌ی همکاری و همدلی و همراهی، بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحاً در این معناست، مثل «واعتصموا بحبل الله جميعاً (8)» و غیر اینها. آیاتی هم هست که اگر چه به صراحت در این معنا نیست، اما مفاد و جهت حقیقی آن، اتحاد دلها و جانها و همگامی انسانهاست و می‌دانید که امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه، مظهر همدلی یک رهبری سیاسی، یک حاکم سیاسی و یک ولیّ و امام، با آحاد مردم است. مثال زدنی‌تر از امیرالمؤمنین هم نمی‌شود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد - علیّ ولیّ الله - ولایت به معنای حقیقی، این است. ما از اوّل در نظام مقدّس جمهوری اسلامی، به برکت وحدت و اتحاد، هر کاری کردیم و توانسته‌ایم بکنیم.

عزیزان من! اگر وحدت مردم ایران در زیر لوای اسلام و با هدایت آن نفس گرم و دل آگاه نمی‌بود، بدانید که این انقلاب در زیر بار مشکلات، کمر راست نمی‌کرد؛ نمی‌توانست در زیر آن همه بارهای سنگین، کمر راست کند و خود را به سلامت به ساحل نجات برساند؛ ممکن نبود. از آنچه که در اوایل انقلاب به وسیله‌ی جناح‌بندیهای سیاسی، گروهکها و عوامل پشت پرده‌ی گروهکها اتفاق افتاد، تا آنچه که در دوران جنگ اتفاق افتاد، تا آن چه که به وسیله‌ی ابزار فرهنگ‌انجام گرفت، تا آنچه که به وسیله‌ی فشارهای اقتصادی و سیاسی برای این ملت به وجود آوردند، در همه‌ی این مراحل، آن چیزی که توانسته است این ملت را زیر انبوه مشکلات، با سلامت، با قامت رسا و با سر برافراشته، پیش ببرد و از مشکلات فراوان نجات دهد، وحدت عظیم و اتحاد این ملت بزرگ و با اراده و هوشمند بوده است.

از روز اوّل سعی کردند که نگذارند این اتحاد شکل بگیرد. به قومیتها و به عوامل تفرقه‌انگیز، تمسک کردند، لیکن اراده‌ی الهی و روح ولایت، معنا و حقیقت ولایت در این کشور و نظام ولایت، بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فائق آمد. حتی در وقتی که جنگ شروع شده بود، دشمن در خانه‌ی ما قدم گذاشته بود، تهران زیر بمباران هوایی قرار داشت و منطقه‌ای از غرب و جنوب غربی کشور، عملاً زیر پای دشمنان بود، کسانی در تهران بودند که تحت نامهای گوناگون، زمزمه‌ی تشجیح تفرقه‌انگیز را راه انداخته بودند و می‌خواستند تفرقه ایجاد کنند. در واقع می‌خواستند پشت جبهه‌ی رزمندگان را خراب کنند! انقلاب نگذاشت، امام نگذاشت، ملت نگذاشت، هشیاریهای مردم نگذاشت، ایمان مردم نگذاشت.

این همان روح ولایت است؛ ولایت یعنی این و بحمدالله ملت ما، ملتی یکپارچه و مردمی متحدند. این اتحاد، مظاهر بسیار ارزشمندی داشته است؛ ملت ما از امتیاز معنای همزیستی، همدلی، همدستی، همگامی و اتفاق و اتحاد، با همه‌ی خصوصیات که در قاموس سیاسی جهان دارد و آن را ارزشمند کرده است - به تمام معنی کلمه - برخوردار بوده است و بحمدالله امروز هم برخوردار است. عرض من این است که این را حفظ کنید. عرض من به شما، به مسؤولان، به آحاد ملت و به قلم به دستان این است که این اتحاد را حفظ کنید.

من می‌بینم امروز در خلال تبلیغات دشمنانی که از بیرون مرزهای ما تبلیغ می‌کنند، خطّ ایجاد اختلاف و تفرقه تعقیب می‌شود. البته بعضی از آنها دنباله‌هایی هم در داخل دارند و این طور نیست که یکسره بیرون این مرزها باشند. آری؛ شعب باریکی در داخل هست که اگر جرأت کنند، آن را بیشتر هم خواهند کرد! از این آزادی که بحمدالله در کشور هست، این سوءاستفاده را می‌کنند؛ اما عمده مربوط به بیرون است. می‌بینیم که خطّ تشجیح و خطّ ایجاد اختلاف و تفرقه، از طرف دشمن انقلاب و دشمن اسلام، از طرف مارهای زخم‌خورده، از طرف کسانی که انقلاب، نفس آنها و جلو مطامع آنها را در طول سالهای متمادی گرفت و حرفها و آرزوهای دور و درازشان را علیه این ملت، به عکس کرد، تعقیب می‌شود!

حالا خیال می‌کنند که فرصتی پیدا کرده‌اند، هر گاهی یک بار - مخصوص الان هم نیست، بار اوّل نیست؛ لیکن الان هم یکی از آن اوقات است - احساس می‌کنم که می‌خواهند بین آحاد مردم، بین دلها، بین ذهنها، بین مسؤولین و رده‌های گوناگون، اختلاف بیندازند! از رده‌های بالا مایوسند، سراغ رده‌های بعدی می‌روند. باید هوشیار باشید. معنای



ولایت، معنای اعتقاد به راه قرآن و اسلام، معنای دل دادن و سرسپردن به حکومت الهی، این است که باید دلها در ظلّ این حکومت، با هم نزدیک باشد. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» (9).

ولایت در بین مؤمنین، لازمه‌ی حکومت الهی و تسلط الهی است؛ لازمه‌ی حکمروایی آیات قرآن و احکام نورانی قرآن است. اگر دلها جدا بود، اگر دشمنی بود، اگر بغضاء بود، دیگر این حکومت الهی نیست؛ این حکومت طاغوت است. - «جان گرگان و سگان از هم جداست.» - این حکومت، غیرالهی و غیر انسانی و نظام، نظام غیرولایتی است! آن وقت نمی‌شود ادعای نظام الهی کرد؛ لیکن حقیقت قضیه این است که دلها با هم است، مردم در خطّ اسلامند، مردم در خطّ خدا و راه خدا هستند.

البته ممکن است سلايق، اختلاف داشته باشد؛ مذاقها اختلاف داشته باشد. مسأله‌ی مذاق و سلیقه، غیر از دل و جهت و راه و جهتگیری کلی است. در این جهتگیری کلی - «واعتصموا بحبل الله جميعاً» - اعتصام به حبل الله، باید با اجتماع باشد، باید با هم اعتصام کنند. همه با مسؤولین کشور، همه برای تقویت نیروهای خدمتگزار کشور، احساس وظیفه کنند. همه باید دولت را تقویت کنند؛ همه باید پشتیبانی کنند. مسؤولیت اداره‌ی امور کشور، امر کوچکی نیست، بار سبکی نیست، بار سنگینی است. مسؤولین کشور در مقابل این بارهای سنگینی که تحمل می‌کنند، از ما چه می‌خواهند؟ واقعاً اگر ما، مسؤولین و رؤسای محترم قوای کشورمان را با نظایرشان در دنیا مقایسه کنیم، با توقع کم، با اخلاص، با علاقه و با دلسوزی، این بارهای سنگین را بر دوش گرفته‌اند و کار انجام می‌دهند. خوب؛ وظیفه‌ی ما چیست؟

وظیفه این است که همه‌ی ما - گروهها و آحاد مردم، همه و همه - از آنها حمایت کنیم. حمایت هم انواع و اقسامی دارد؛ نباید مشکلات را بزرگنمایی کرد. چه موقع جامعه‌ی ما مشکلاتی نداشته است؟ هیچ جامعه‌ای بدون مشکل نیست؛ بخصوص کشوری مثل ما، انقلابی مثل ما، ملتی مثل ما، با این دشمنان گردنکش جهانی که بسیاری از آنها حقیقتاً به هیچ اصلی از اصول انسانی و الهی معتقد نیستند و اصلاً اصول انسانی را قبول ندارند. می‌بینید دیگر! وقتی علیه کشوری بسیج می‌شوند، دیگر نه مظلوم، نه بی‌گناه، نه بچه، نه مریض، هیچ چیز سرشان نمی‌شود! بحمدالله ملت ما بر دشمنانش فائق آمده است. ملت ما تا امروز، زبون دشمن نشده است؛ لیکن به‌رحال دشمنی، اثر دارد. با این دشمنیها، کدام کشور است که هیچ مشکلی نداشته باشد؟ نباید مشکلات را بزرگ کرد. نباید در زمینه‌های گوناگون، درشتنمایی کرد. البته تذکر، خوب است؛ امر به معروف، خوب است؛ نصیحت، خوب است؛ اما با خیرخواهی، با روش عقلایی، بدون این که موجب تضعیف يك مجموعه‌ی خدمتگزار شود.

این، وظیفه‌ی همه است. نسبت به قوه‌ی قضاییه نیز همین‌طور، همه وظیفه دارند کمک و حمایت کنند، تا بتواند کارهای بزرگی را که بر عهده دارد، انجام دهد. اگر قوه‌ی قضاییه نباشد، عدالت، میزان و مبنایی نخواهد داشت. همه وظیفه دارند که از مسؤولین کشور، از قوای سه‌گانه‌ی کشور، از دولت، از قوه‌ی قضاییه و از مجلس حمایت کنند. این همان چیزی است که دشمن نمی‌خواهد. نمی‌خواهد ملت‌های مسلمان از رفتار و عمل و هویت و بقای ملت اسلام، ملت ایران و نظام اسلامی، امیدوار شوند و امید در دلشان، فروغ بگیرد؛ بلکه می‌خواهند در این‌جا اشکالی به‌وجود آورند. این تشنج‌آفرینیها به‌خاطر این است.

دشمن را هوشیارانه بشناسید. دشمن را در هر لباسی بشناسید. دشمن را در زیر قالب هرگونه کلماتی بشناسید و با دشمن، با نفس رحمانی مواجه شوید. با دشمن به‌وسیله‌ی نام و یاد خدا مقابله کنید که نام خدا و یاد خدا و اتکال به پروردگار، دشمنانی را که جهت شیطانی دارند، دچار هزیمت خواهد کرد.

این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی بپردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم.

البته من می‌دانم و می‌بینم که بحمدالله مسؤولین و بسیاری از کسانی که در عرصه‌ی تبلیغات و بیان و تبیین هستند، انصافاً با وجدان آگاه و با دل بیدار حرکت و کار می‌کنند؛ وظایفشان را با اخلاص، با صفا و بدون هیچ



چشمداشتی انجام می‌دهند و ملامتها را هم به جان می‌خرند. کسانی هم در گوشه و کنار هستند که نمی‌خواهند این یکپارچگی بماند. بایستی آنها را شناخت و به آنها توجه کرد. بسیاری [www](http://www.w)

امیدواریم خداوند متعال ما را به معنای حقیقی کلمه، متمسک به ولایت قرار دهد، و ولایت امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام را که ولایت الهی و ولایت نبوی و مایه‌ی خیر دنیا و آخرت است، ان شاءالله مبارک بدارد و ما را هدایت کند که بتوانیم آن راهی را برویم که رضای او در آن است. ان شاءالله توفیقات کامل ملت و دولت ایران و همه‌ی مسؤولین کشور را به زودی زود، در ظلّ عنایات ولیّ عصر ارواحنافداه پیش آورد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(7) انفال: 72

(8) آل عمران: 103

(9) توبه: 71